

تأثیر نقش انرژی بر روابط دوجانبه آلمان و روسیه

دکتر حبیب الله ابوالحسن شیرازی*

ابراهیم معراجی**

چکیده

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و وحدت دو آلمان شاید به سختی قابل پیش بینی بود که دو کشور به سرعت به سمت روابط حسنه در ابعاد مختلف پیش بروند. روابط آلمان و روسیه، فراز و فرودهای بسیاری را از همگرایی تا واگرایی و از روابط حسنه تا جنگ پشت سر گذارده است. فاکتورها و شاخص های مختلفی بر روابط دو جانبه بین دو کشور حکمفرما بوده است. در این بین شاخص انرژی از مهمترین عوامل موثر بر روابط دو جانبه آنها می باشد که بالاخص پس از جنگ سرد بر اهمیت آن افزوده شده است. روابط استراتژیک و در حال توسعه میان دو کشور و بررسی نقش انرژی و تاثیر مقوله انرژی بر روابط دو جانبه میان آنها موضوع حائز اهمیتی است که در مقاله حاضر سعی داریم آن را مورد بررسی قرار دهیم.

واژگان کلیدی: آلمان، روسیه، امنیت انرژی، مشارکت راهبردی، همکاری

استراتژیک

* دانشیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، گروه علوم سیاسی، تهران، ایران
** دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل

مقدمه

نیازهای اقتصادی امروزه از مسائل بسیار مهم و اساسی در تبیین و جهت گیری کشورها می باشد و همچنین برخی از مواقع موضوعات سیاسی و بین المللی از بعد اقتصادی قابل اثبات است.

تحولات دو دهه پیش در اروپا حاکی از این امر است که تامین انرژی و ثبات و پایداری در به دست آوردن آن، از مهمترین اولویت های کشورهای این قاره صنعتی بوده است. در این میان روابط روسیه و آلمان بعد از فروپاشی شوروی و تحولات پس از آن اعم از شکل گیری روسیه امروزی و وحدت دو آلمان به نحوی است که به نظر میرسد امروزه تاثیر مسائل اقتصادی بویژه انرژی اهمیت بیشتری نسبت به مسائل ایدئولوژیکی گذشته در روابط آنها دارد.

روسیه و آلمان در کنار پیوند های تاریخی و فرهنگی و سیاسی، شرکای اقتصادی مهمی نیز می باشند. نیاز روز افزون آلمان به انرژی از یک سو و برخورداری روسیه از منابع غنی انرژی از سوی دیگر باعث گردیده که نظریه های متفاوتی در خصوص آینده همکاری های آنها ارائه گردد.

از آنجا که خاورمیانه به عنوان مرکز اصلی تامین انرژی جهان کماکان دستخوش روند پر آشوب سیاسی است، منابع روسیه جایگزین مناسبی در تنوع منابع مصرف کنندگان اصلی انرژی تلقی می شوند، به ویژه اینکه روسیه روی بیش از یک پنجم ذخایر کشف شده گاز طبیعی جهان قرار گرفته است. مجموع ذخایر نفت و گاز

کشف شده روسیه، از ذخایر انرژی ثابت شده عربستان بیشتر است و بدین ترتیب می تواند بر صنعت انرژی جهان تسلط داشته باشد. بی تردید این ذخیره قابل توجه انرژی، قدرت سیاسی قابل توجهی برای روسیه به همراه خواهد داشت. از سوی دیگر آلمان به عنوان یک کشور صنعتی با رشد اقتصادی بالا، نیاز روز افزونی به انرژی دارد و تردیدی نیست که تامین مطمئن انرژی از اولویت های اساسی و استراتژیک آلمان محسوب می گردد. از آنجایی که روسیه همجوار اروپا و دارای روابط گسترده ای با کشورهای اروپایی است، از این رو اکثر کشورهای اروپایی از جمله آلمان به نحوی نیاز مند آن محسوب می گردند. از جهت دیگر روسیه نیز نیاز های صنعتی خود از جمله در بخش انرژی و همچنین سرمایه مورد نیاز خود را برای توسعه صنعت انرژی، اغلب از منابع اروپایی و بلاخص آلمان تامین می کند.

ابعاد مختلف روابط دو جانبه میان آلمان و روسیه

روابط میان آلمان و روسیه دارای تاریخچه طولانی می باشد. آنها در سالهای اخیر روابطشان را به سطح روابطی استراتژیک توسعه داده اند. روابط آنها به روابط اقوام ژرمن و اسلاو در گذشته بر می گردد که پس از تشکیل دولت ملت آنها به قدرتهای تاثیر گذار مهمی در اروپا و طبعاً در جهان تبدیل گشتند. این روابط در طول تاریخ بعضاً پر کشش بود. با این حال پایان جنگ سرد، عاملی بود که جان تازه ای به روابط آنها بخشید و در سالهای اخیر روابطشان را به سطح روابطی استراتژیک توسعه دادند. بررسی روابط این دو کشور با اخص در زمان حال به شناخت دیدگاه ها و ذهنیت آنها و ریشه های این ذهنیت کمک خواهد کرد.

در این قسمت سعی خواهیم کرد سر فصل زمینه های روابط و همکاری دو جانبه آنها را که در سالهای اخیر مورد توجه دو طرف قرار گرفته اند را بیان کنیم:

1- مقامات آلمان و روسیه در زمینه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با یکدیگر به

صورت مستمر ملاقات دارند. روسیه در این زمینه ها به آلمان وابسته است، زیرا آلمان یکی از اعضای اصلی رهبری در اتحادیه اروپا می باشد و مهمترین شریک و مهمترین شریک تجاری او در این اتحادیه محسوب می شود. (Roland، 2007، 7)

2- بسیاری از شهروندانی که در قسمت شرقی آلمان زندگی می کنند قادرند به زبان روسی تکلم کنند و اطلاعات زیادی در مورد روسیه دارند. همچنین زبان آلمانی، به عنوان زبان دوم (در کنار زبان انگلیسی) در مدارس روسیه مورد تدریس قرار می گیرد. در 11 آوریل 2005 یک بیانیه همکاری استراتژیک در زمینه آموزش، تحقیقات و نوآوری توسط صدر اعظم آلمان و رئیس جمهور روسیه به امضا رسید. این توافق با معنی قدم گذاشتن دو طرف به همکاری در بخش آموزش و تربیت متخصصان و مدیران اجرایی می باشد. (کیانی، 50، 1385-46)

3- آلمان همکاری های بسیاری را در بخش های صنعت در ابعاد و سطوح بالا به منظور توسعه زیر ساخت ها و زیر بناهای صنعتی روسیه دارد. همچنین روسیه دارای سرزمینی پهناور با منابع طبیعی گسترده می باشد که برای اقتصاد آلمان دارای اهمیت بالایی است.

4- پیوستن روسیه به پروتکل کیوتو در اکتبر 2004 موجبات همکاری های بیشتر صنعتی را بین این دو کشور فراهم ساخت. زیرا فرصتهایی را که ارائه کننده مکانیزمهای منعطف پروتکل کیوتو می باشد موجبات آن را فراهم ساخت تا از این طریق روسیه تمایل بیشتری برای جذب سرمایه گذاری در راستای مدرنیزه کردن بخشهای انرژی خود نشان دهد و پیوستن روسیه به پروتکل باعث تسهیل همکاری ها در بخش انرژی میان دو کشور شد.

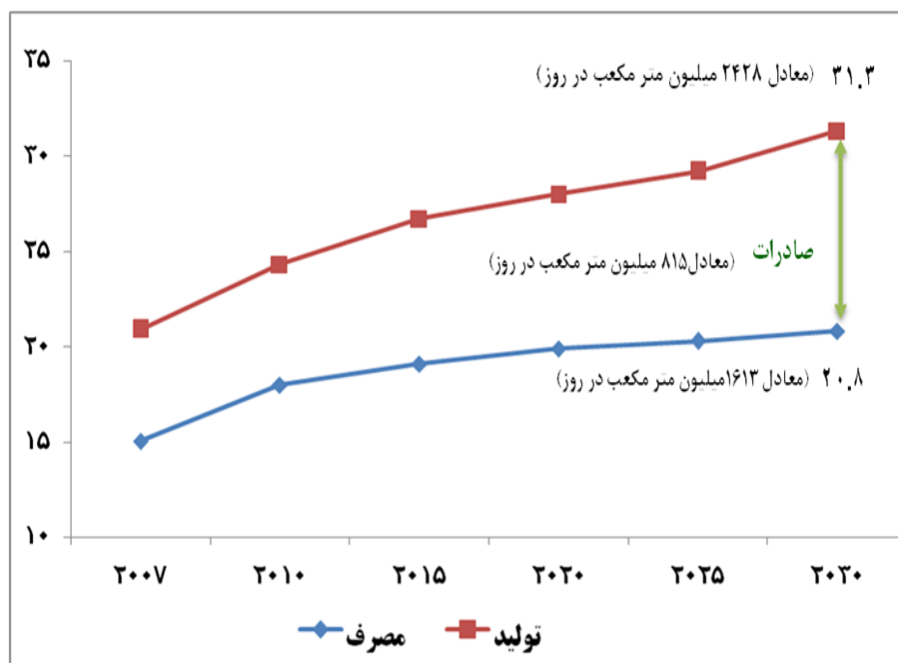
5- آلمان قویترین حامی روسیه در پیوستن این کشور به گروه هشت کشور صنعتی بود.

6- دِرِسدنر بانک آلمان روابط بسیار نزدیکی با شرکت گاز پروم روسیه دارد. این

- شرکت بزرگترین شرکت صنعتی روسیه می باشد. (کیانی، 197، 1386)
- 7- آلمان در کنار فرانسه و روسیه مخالف دعوت اکرین و گرجستان برای پیوستن به ناتو بودند این در حالی بود که بخارست در سال 2008 اوج حضور ناتو را در خود تجربه می کرد. فشارهای این کشور در نهایت باعث گردید که اکرین و گرجستان به ناتو ملحق نشوند.
- 8- آلمان و روسیه برای ساخت خط لوله نورد استریم برای انتقال گاز طبیعی با یکدیگر همکاری دارند. (www.Gazprom.com)
- 9- مبارزه علیه تروریسم جهانی و همکاری اطلاعاتی متقابل در این زمینه. صدور اجازه از سوی روسیه برای عبور واحدهایی از نیروی نظامی آلمان از خاک روسیه و ورود به نقاطی در افغانستان و ازبکستان، یک نمونه مهم در این زمینه می باشد. (Rahr، 2007، 138)
- 10- دعوت و حمایت آلمان از ورود روسیه به مذاکرات هسته‌ای سه کشور اروپایی با ایران و تأکید دو کشور بر حل مسئله هسته‌ای ایران از طرق دیپلماتیک و حمایت دو طرف از وضع تحریم ها در شورای امنیت بر علیه ایران. (خارقانی، 1385)
- 11- حمایت بین‌المللی روسیه از تلاش‌های آلمان در جهت کسب کرسی دائم در شورای امنیت.
- 12- تلاش روسیه جهت تثبیت و توسعه سیاست نفوذ در منطقه خارج نزدیک (آسیای مرکزی، قفقاز و خصوصاً اروپای شرقی شامل کشورهای مولداوی، اوکراین و بلاروس) و عدم مخالفت آلمان با این سیاست. یک نمونه از این مدعا اقدام حمایت روسیه از ویکتور یانوکوویچ در انتخابات ریاست جمهوری اوکراین در سال 2004 بود که به رغم مخالفت آشکار اتحادیه اروپا و کشورهای همسایه اوکراین نظیر لهستان و لیتوانی، آلمان در خصوص این اقدام روسیه سکوت اختیار کرد. (کیانی، 1385)

همکاری در بخش انرژی

روسیه دارای بزرگترین ذخایر گاز طبیعی، دومین ذخایر ذغال سنگ و هشتمین ذخایر نفت خام در جهان است. روسیه یکی از صادرکنندگان عمده نفت و گاز طبیعی می باشد که رشد اقتصادی آن در دهه گذشته اساساً وابسته به صادرات انرژی بود. با توجه به افزایش قیمت نفت شاهد افزایش تولید نفت روسیه در طول این سالها بوده ایم. همچنین در داخل، روسیه بیش از نیمی از انرژی مصرفی خود را از گاز طبیعی تامین می کند. (Energy Information Administration، Russia، 2010، 1)



Source: International Energy Outlook.2009

روسیه کشوری است که اقتصاد آن شدیداً به درآمد های حاصل از فروش نفت و

گاز وابسته می باشد. بر خورداری این کشور از یک پنجم منابع انرژی جهان (گاز، نفت، ذغال سنگ، اورانیوم) و نیز رشد فزاینده نیاز جهانی به مصرف انرژی خصوصا در دو بخش نفت و گاز سبب شده است تا برخی نویسندگان و کارشناسان انرژی از مجموعه رفتار انرژی روسیه به این نتیجه برسند که این کشور علاوه بر بهره گیری اقتصادی از فروش انرژی می کوشد تا منافع سیاسی و امنیتی نیز از این رهگذر بدست آورد.

روسیه با بر خورداری بیش از 33 درصد ذخایر گاز طبیعی جهان و 10 درصد نفت خام، مالک تقریبا یک پنجم منابع نفت و گاز در سطح جهان می باشد. (Ibid، 3-1) از آنجایی که رشد، توسعه و صنعتی شدن ارتباط مستقیمی با مصرف انرژی دارد، آلمان یکی از بزرگترین کشورهای مصرف کننده انرژی در جهان محسوب می شود. این کشور منابع انرژی داخلی بسیار کمی دارد (به استثنای زغال سنگ). لذا وابستگی بسیار زیادی به واردات انرژی دارد و تقریبا همه نیاز نفت و گاز طبیعی خود را بایستی از طریق واردات تامین نماید. بنا بر این تامین انرژی مرتبط با سیاست خارجی این کشور است.

در میان کشورهای صادر کننده انرژی به آلمان، روسیه سهم قابل توجهی را به خود اختصاص داده است. به دلیل امنیت در عرضه انرژی و روابط بسیار حسنه و استراتژیک میان دو کشور، آلمان سعی کرده که واردات خود را از میان کشورهای خاورمیانه و روسیه، سهم بیشتری به کشور اخیر اختصاص دهد. در سال 2005 سهم واردات نفت خام آلمان از روسیه 0/7 درصد افزایش یافت، در حالیکه سهم واردات آن از خاورمیانه و آفریقا ثابت ماند و همچنین سهم واردات از نروژ و انگلستان به ترتیب 0/2 درصد و 0/5 درصد کاهش یافت. در مجموع در این سال از روسیه 34 درصد، نروژ 15 درصد، انگلستان 13 درصد و از لیبی هم 12 درصد نفت وارداتی خود را تامین کرد.

در زمینه گاز نیز کشور آلمان پس از انگلستان دومین بازار بزرگ گاز اروپا به شمار می رود. در ابتدای دهه اخیر کل تقاضای گاز آلمان به 91/4 میلیارد متر مکعب رسید،

به عبارت دیگر حدود 21 درصد از کل عرضه انرژی اولیه این کشور را شامل شد. در حدود 20 درصد از کل تقاضای گاز طبیعی صرف تولید برق و استفاده حرارتی می‌شود. از کل مصرف نهایی گاز طبیعی در حدود 59 درصد در بخش‌های خدمات و خانگی و 41 درصد در بخش صنعت مورد استفاده قرار می‌گیرد.
(www.germany-info.org)

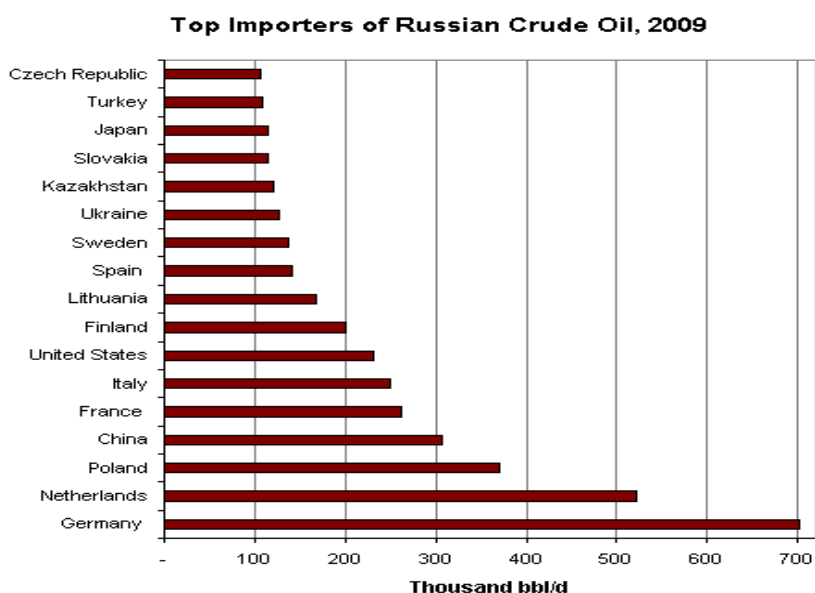
بر اساس آخرین پیش‌بینی انجام شده تقاضای گاز طبیعی در آلمان تا سال 2010 به حدود 107/2 میلیارد متر مکعب در سال افزایش یافته است و سهم این حامل انرژی در تولید برق و استفاده حرارتی به 14/5 درصد می‌رسید. آلمان تقریباً بیشتر گاز مورد نیاز خود را همانند نفت از طریق واردات تامین می‌کند. در سال 2001 سهم گاز طبیعی در کل مصرف انرژی آلمان 23 درصد بود و پیش‌بینی می‌شود این سهم طی دهه آینده بویژه در تولید برق افزایش یابد، زیرا هدف آلمان این است که به تدریج نیروگاه‌های هسته‌ای را با نیروگاه‌های گازی جایگزین کند. در سال 2004 منابع واردات گاز آلمان به شرح زیر بود: 46 درصد از روسیه، 23 درصد از هلند، 33 درصد از نروژ، همچنین درصدی نیز از انگلستان و دانمارک. (یادگاری، 1384، 46-49)

همکاری برای امنیت انرژی

اطلاعات بریتیش پترولیوم به ما نشان می‌دهد روسیه 19/6 درصد از تولید جهانی گاز و 12/4 درصد از تولید جهانی نفت را به خود اختصاص داده است. اتحادیه اروپا مهمترین بازار انرژی روسیه می‌باشد.

آلمان نیز به عنوان بزرگترین شریک تجاری روسیه، بزرگترین خریدار انرژی صادراتی روسیه می‌باشد. آلمان بخش بالایی از نفت و گاز روسیه را خریداری می‌کند روسیه نیز کشوری است که انرژی و صادرات آن مهمترین بخش اقتصاد آن را تشکیل

می دهد از این رابطه ابراز خرسندی بالایی می کند. (www.bp.com)



Source: Global Trade Atlas, FACTS, and EIA

این ابراز خرسندی از جانب دولت فدرال آلمان نیز می باشد زیرا آلمان حدود یک چهارم تولید ناخالص داخلی و همچنین نیمی از حجم عوارض گمرکی و صادراتی خود را از طریق روسیه به دست می آورد.

شرکت های آلمانی به شدت حضور پر رنگ در بخش انرژی روسیه دارند. برای مثال در دسامبر 2007 یک پروژه تولید گاز در سیبری برای استحصال گاز طبیعی عملیاتی شده است که متعلق به یک شرکت آلمانی می باشد.

روژنو روسکوی یک میدان بزرگ گازی می باشد که در 3/500 کیلومتری شمال شرقی مسکو واقع شده است و یکی از بزرگترین ذخایر گاز طبیعی را در خود جای داده است، پروژه مذکور آلمانی در این ناحیه قرار دارد. در ازای این پروژه که به آلمانی ها سپرده شده است و تعهدی که آلمان ها در توسعه ذخایر گازی روسیه متقبل شده

است، شرکت گاز پروم روسی نقش بزرگی را در توزیع گاز آلمان عهده دار شده است. اما مهمترین پروژه دو جانبه آلمان و روسیه در زمینه گاز مربوط به خط لوله بالتیک موسوم به نورث استریم می باشد. شرکت های روسی و آلمانی و دیگر شرکت های اروپایی در زمینه احداث خط لوله نورث استریم با یکدیگر همکاری دارند. این خط لوله جدید برای اولین بار مبادرت به عرضه مستقیم گاز روسیه به آلمان خواهد کرد. این پروژه موجبات تنوع در عرضه گاز و انرژی به آلمان و اروپا را فراهم خواهد آورد. در ادامه با اتصال خطوط لوله دیگر، این پروژه قادر خواهد بود گاز مورد نیاز کشورهای دیگر اروپایی را نیز تامین کند. (Cameron، 2010، 27-30)

گرهارد شرودر صدر اعظم پیشین آلمان، حامی قوی پروژه نورث استریم، به منظور تامین هر چه بهتر عرضه گاز آلمان و همچنین دور زدن کشور های ترانزیت بود. امضاء این قرارداد تنها دو هفته قبل از انتخابات پارلمانی آلمان که شرودر را به عنوان صدر اعظم بر کنار کرد، به انجام رسید. قبل از کناره گیری شرودر دولت آلمان انجام پروژه نورث استریم را با یک بلیون یورو تضمین نمود. تضمین که از پیمانکار و روند انجام پروژه به عمل آمد هیچ گاه مورد نیاز واقع نگردید. بلافاصله بعد از کناره گیری، شرودر نامزد ریاست کمیته سهامداران شرکت گاز پروم شد. و به این سمت منسوب گشت. و از طرف دیگر، موجبات نگرانی احزاب مخالف آلمان شد که از وی انتقاد شدیدی به عمل می آوردند. (www.auswaertiges-amt.de)

در ژانویه 2009، مجله وال استریت گزارش داد که گرهارد شرودر به عنوان عضو هیئت مدیره شرکت نفتی TNK-BP (به عنوان کنسرسیوم شرکت های نفتی روسی و بریتیش پترولیوم) انتخاب شد. این اتفاقات در نهایت این واقعیت را بر ما آشکار می سازد که روابط انرژی میان آلمان و روسیه، صرفاً یک خرید و فروش ساده نیست و نشانه اوج روابط استراتژیک بر پایه انرژی میان دو کشور می باشد. (www.businesswire.com)

امنیت عرضه انرژی یک موضوع مهم در خط مشی انرژی آلمان است. گزارش گفتگوی انرژی آلمان «امنیت انرژی» را به عنوان یکی از سه موضوع کلیدی خط مشی انرژی آلمان، همراه با کارایی اقتصادی و سازگاری با محیط زیست تعیین کرده است. در این گزارش امنیت انرژی در چند محور زیر ترسیم شده است:

1- عرضه انرژی در آلمان به شدت وابسته به واردات است. نفت و گاز مورد نیاز آلمان تنها از چند کشور محدود وارد می شود که آنها از نظر سیاسی با ثبات نیستند، لذا واردات از آنها خطر اختلال در عرضه و نوسانات در قیمت را به همراه دارد، در نتیجه منابع سوخت های فسیلی آلمان (زغال سنگ سخت و نرم و گاز طبیعی)، انرژی های تجدید پذیر و صرفه جویی در انرژی مفاهیم کلیدی برای کاهش وابستگی به واردات انرژی محسوب می شوند.

2- منابع سوخت های فسیلی و هسته ای آلمان محدود هستند. لذا استفاده از انرژی تجدید پذیر ریسک دیگری را مطرح میکنند و آن عدم اطمینان در مورد قابلیت دست رسی و استفاده از آنها است.

3- آزاد سازی بازارهای انرژی به تنوع در منابع عرضه، تجارت و توسعه خدمات انرژی کمک میکند.

4- زیر ساخت های مناسب انرژی (نظیر شبکه های انتقال و توزیع و...) برای امنیت عرضه ضروری است، لذا بایستی انگیزه کافی برای ایجاد و تقویت این زیر ساخت ها وجود داشته باشد. (یادگاری، 1384، 71-73)

اغلب مواردی که در فوق برای برقراری امنیت در آلمان ذکر شد، در خط مشی انرژی این کشور لحاظ شده است. به طور مثال، تولید سوخت های فسیلی در آلمان نظیر گاز طبیعی و زغال سنگ مهمترین بخش از عرضه انرژی داخلی آلمان محسوب می شوند. بازارهای انرژی کاملاً آزاد سازی شده اند و تلاش قابل توجهی برای بهبود و افزایش کارایی انرژی و استفاده از انرژی های تجدید پذیر شده است.

حذف نیروگاههای هسته‌ای نیز با همکاری دولت فدرال و صنعت هسته‌ای آلمان برنامه‌ریزی شده و با توجه به اینکه در بازارهای برق آزاد سازی صورت گرفته، دولت تصمیم‌گیری در مورد میزان ظرفیت جدید مورد نیاز و زمان بندی برای سرمایه‌گذاری در این مورد را به صنعت انرژی واگذار کرده است.

دولت آلمان تحقیقاتی را در مورد حذف نیروگاههای هسته‌ای از نظر هزینه عرضه انرژی و اثرات زیست محیطی انجام داده ولیکن به دلیل اینکه اغلب نیروگاه‌های هسته‌ای در دوره 2010 تا 2020 از گردونه تولید خارج می‌شوند، به این نتیجه رسیده که در انجام خط مشی انرژی ترسیم شده در کوتاه مدت نباید عجله کرد. (همان منبع، 74)

بدون شک روابط بر پایه انرژی میان روسیه و آلمان در راس دستور کار سیاسی و اقتصادی مقامات دو طرف باقی خواهد ماند. بنا به دو دلیل مهم، آلمان به روسیه به عنوان منبع تامین انرژی خود می‌نگرد. نخست آنکه، روسیه در جوار اروپا قرار دارد و با صرفه‌ترین گزینه برای انتقال انرژی به آلمان محسوب می‌گردد.

دوم آنکه روسیه نسبت به اکثر کشورهای واقع در خلیج فارس و خاورمیانه که از منابع سرشار انرژی برخوردارند و از منابع تامین انرژی به حساب می‌آیند، با ثبات‌تر است. در واقع روسیه بر خلاف کشورهای منطقه خاورمیانه، مستعد بحران‌های متعدد نیست. و همین امر می‌تواند صدور انتقال انرژی را تضمین نماید. تضمینی که برای آلمان صنعتی اهمیت حیاتی دارد. به همین سبب نیز روسیه سالانه 214/6 میلیون نفت و 128/2 میلیارد متر مکعب گاز طبیعی به اروپا صادر می‌کند که آلمان در این بین سهم بسیار زیادی را به خود اختصاص داده است و این در مقایسه با سهم دو صادرکننده عمده دیگر به اروپا یعنی کشور های خاورمیانه و آفریقای شمالی که در زمینه نفت به ترتیب 161/7 و 122/5 میلیون تن و در زمینه گاز، الجزایر 29/28 میلیون متر مکعب گاز طبیعی صادر می‌کنند، عددی قابل تامل محسوب می‌گردد.

(www.energy.cr.usgs.gov)

در این بین نباید از یاد برد که برخی از اقدامات روسیه در عرصه صدور انرژی به اروپا سبب شده است تا اهمیت این کشور به عنوان کانون ثبات انرژی نزد مقامات برلین تا حدودی مورد نگرانی واقع شود. به این معنا که اگر چه روسیه شریکی باثبات است، اما قابل اعتماد نیست. در واقع قطع صدور گاز به اوکراین، مولداوی و بلاروس و تحریم نفتی استونی از جمله مواردی هستند که بر اعتبار روسیه در بازار انرژی اروپا صدمه وارد کرده است. از سوی دیگر، امتناع آشکار روسیه از تصویب پیمان منشور انرژی که بر لزوم خصوصی سازی صنعت انرژی آن کشور تاکید می کند، در کنار مداخله روز افزون دولت در صنعت نفت و گاز به ویژه اعمال کنترل بر مسیر های حمل و نقل و ترانزیت انرژی به بازارهای اروپایی، مجموعاً بر نگرانی اتحادیه اروپا در خصوص اتکای روز افزون به واردات انرژی از روسیه افزوده است. (متن معاهده منشور انرژی، 1384، 40-53)

از این رو روابط روسیه و آلمان علی رغم پیشرفت هایی که داشته همچنان با چالشهای زیادی نیز مواجه می باشد. به عنوان نمونه تحریم نوزده ماهه واردات گوشت از لهستان، اعمال مجازات اقتصادی و تحریم نفتی علیه استونی، مخالفت با استقرار طرح سپر دفاع موشکی در لهستان و جمهوری چک، تعلیق عضویت در پیمان تسلیحات متعارف، به رسمیت شناختن استقلال کوزوو از سوی اتحادیه اروپا، جنگ روسیه با گرجستان و به رسمیت شناختن استقلال آبخازیا و اوستیای جنوبی، قطع گاز صادراتی به اروپا در زمستان 2008، تصمیم سران اتحادیه اروپا در خصوص گنجاندن بلاروس در برنامه « مشارکت با شرق »، اختصاص سرمایه لازم برای تحقق طرح خط لوله « ناباکو »، اعلام آمادگی اتحادیه اروپا برای سرمایه گذاری در مدرنیزه سازی شبکه انتقال گاز اوکراین به شرط دسترسی به خطوط لوله انتقال گاز و غیره. از جمله مسائلی هستند که طی سالهای اخیر بر روابط روسیه و اروپا سایه انداخته اند. (www.oilcapital.ru)

امنیت عرضه گاز

امنیت عرضه گاز میتواند به امنیت کوتاه مدت عرضه (تامین نیاز در زمان اختلال در عرضه) و امنیت بلند مدت عرضه (اطمینان از تنوع منابع عرضه و سرمایه گذاری برای تامین تقاضای فزاینده)، تقسیم شود که معمولاً امنیت بلند مدت مستلزم برنامه ریزی ژئوپلیتیک و استراتژیک بلند مدت است. به دلیل این که قوانین دولتی محدودی برای بازار گاز در آلمان وجود دارد، شرکت های گاز عمدتاً مسئول تامین امنیت عرضه گاز هستند. تا کنون بازار آلمان با مشکل امنیت عرضه مواجه نبوده که بخش عمده آن را می توان به سرمایه گذاری در چهار مورد ذیل منسوب کرد:

1- قرارداد های عرضه بلند مدت (20 ساله و بیشتر).

2- متنوع سازی منابع عرضه گاز.

3- تجهیزات کافی و مناسب برای ذخیره سازی گاز.

4- قرارداد های قابل فسخ با تعدادی از مشتریان.

بر این اساس دولت آلمان برآورد کرده که سهم قراردادهای قابل فسخ در حدود 10 تا 20 درصد مصرف گاز را پوشش می دهد. قرارداد های بلندمدت واردات (با زمان بیشتر از دو سال) بایستی به اداره اقتصاد و کنترل صادرات فدرال گزارش شود. به هر حال دولت آلمان نمی خواهد که برای تولید برق وابستگی زیادی به گاز طبیعی داشته باشد زیرا ریسک قیمتی گاز طبیعی را با توجه به افزایش سریع تقاضای گاز در اروپا در نظر می گیرد. (EIA, 2008)

نتیجه گیری

مطابق با نیاز روز افزون اروپا به انرژی، پیش بینی می شود در آینده نه تنها از قدرت اقتصادی و سیاسی روسیه در اروپا کاسته نشود، بلکه بر آن افزوده نیز می گردد. به خصوص که اتحادیه اروپا در آینده نزدیک با مشکلات عظیمی در تامین انرژی مصرفی خود مواجه خواهد شد. به نحوی که طی 10 سال آینده تمام ذخایر نفت و گاز

این اتحادیه به پایان می‌رسد و کشورهای اروپایی تا سال 2030 به وارد کننده تمام عیار منابع انرژی مبدل خواهند شد. از این رو روسیه به عنوان یکی از مهمترین تامین کنندگان انرژی اتحادیه اروپا محسوب می‌شود.

به همین سبب آلمان به خوبی آگاه است که نگاه منفی به روسیه از یک سو باعث چالش در ورود آلمان در بازارهای خوب روسیه و سرمایه‌گذاری در بخش انرژی این کشور خواهد شد و از سوی دیگر می‌تواند موجبات عدم امنیت در انتقال مطمئن انرژی به آلمان را فراهم سازد که بدون شک ضربه بزرگی بر تامین انرژی آلمان خواهد بود. از این رو آلمان‌ها متوجه شده‌اند که شراکت راهبردی با روسیه تنها در شرایطی امکان پذیر خواهد بود که آلمان در روابط دو جانبه منافع دو طرف را در نظر گیرد. (Lindner, 2008, 35)

در این میان نباید نگاهی ساده بینانه و یک سو به مسئله انرژی در روابط روسیه و آلمان داشت. زیرا علی‌رغم آنکه در ظاهر به نظر می‌رسد آلمان نیازمند انرژی روسیه می‌باشد و مسکو از هرگونه وابستگی به برلین مبرا است، با این حال باید توجه داشت که روسیه نیز در خصوص صدور انرژی خود به آلمان با مشکلاتی مواجه است. در واقع علی‌رغم آنکه تولید گاز طبیعی روسیه تا سال 2020 همچنان افزایش خواهد یافت، با این حال مشکلاتی در خصوص این مسئله بروز خواهد کرد که روسها را محتاج کمک و یاری آلمانی‌ها و برخی دیگر از کشورهای اروپایی خواهد نمود. بر این اساس به نظر می‌رسد روسیه در آینده در خصوص بهره‌برداری از حوزه‌های انرژی خود در شرق دور و قطب شمال به تدارکات و سرمایه‌گذاری‌های بیشتری نیاز دارد و آلمان یکی از مهمترین تامین کنندگان منابع مالی چنین امری می‌باشد. همچنین روسیه برای نو سازی در صنایع در بخش انرژی خود به شدت به صنایع آلمانی نیازمند می‌باشد.

علاوه بر محدودیت‌های جغرافیایی، ظرفیت نارسای صادرات، قیمت پایین، مداخلات سیاسی و سایر موانع غیر ارادی در امر سرمایه‌گذاری در حوزه‌های انرژی

شرق دور و قطب شمال دخیل هستند. همچنین باید به بدهی های زیاد « گاز پروم » و «رُز نفت » به عنوان دو شرکت دولتی مهم و تاثیر گذار در انرژی روسیه نیز توجه کافی داشت. در واقع بدهی های زیاد این دو شرکت مانع از سرمایه گذاری های جدید و توسعه میادین نوین خواهد شد. (Grace, 2005, (190

مطابق با بررسی های صورت گرفته در بخش انرژی روسیه، طی سالهای 2003 تا 2020، بخش گاز طبیعی 26 درصد، نفت 33 درصد، نیروی برق 16 درصد، انرژی هسته ای 4 درصد، ذغال سنگ 4 درصد، گرما 10 درصد و بازده انرژی 8 درصد نیازمند سرمایه گذاری می باشند که در مجموع مبلغی در حدود 735 هزار میلیون دلار خواهد شد. (Monaghan & Montanaro, 2006, 21)

در نتیجه پیش بینی می شود روسها که قادر به تامین منابع مالی برای سرمایه گذاری در بخش های فوق نیستند، لاجرم به سمت اروپایی ها به طور عام و آلمان با توجه به روابط استراتژیک دو جانبه به طور خاص، گرایش پیدا کنند. دلیل اصلی این پیش بینی را می توان از یک سو در روابط سرد روسیه و آمریکا جستجو نمود که هرگونه سرمایه گذاری مستقیم آمریکایی ها در بخش انرژی روسیه را متفی می سازد و از سوی دیگر باید بر این نکته که طی سالهای گذشته، اعضای اتحادیه اروپا، به خصوص حکومت آلمان بیشترین سرمایه گذاری های خارجی را در روسیه انجام داده است، تاکید نمود. همچنین می توان متصور شد که گسترش روابط تجاری و اقتصادی در حوزه انرژی به «وابستگی متقابل» میان روسیه و آلمان بیانجامد. این وابستگی متقابل در روابط روسیه و آلمان بین دو طرف به طور مشترک و در حالت توازن قرار خواهند گرفت. به طوری که عمل و رفتار هر طرف به عمل و رفتار طرف دیگر تاثیر گذار خواهد بود.

منابع

1. یادگاری، حسین، (1384)، "گزارش کشوری انرژی آلمان"، تهران، موسسه مطالعات بین المللی انرژی
2. "متن معاهده منشور بین المللی انرژی و ضمیمه آن"، (1384)، مترجمان: مسعود طارم سری و مسعود هاشمیان، تهران، موسسه مطالعات بین المللی انرژی
3. کیانی، داوود، (1385)، "روابط دو جانبه آلمان و روسیه و تأثیر آن بر جایگاه منطقه‌ای ایران"، تهران، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی / گروه مطالعات اوراسیا، مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
4. کیانی، داوود، (1386)، "سیاست انرژی روسیه در برابر اتحادیه اروپا"، فصلنامه سیاست خارجی سال بیست و یکم، شماره 1
5. خارقانی، سید شمس الدین، (1385)، "تحول سیاست خارجی آلمان، چشم‌انداز روابط با ایران"، سایت مرکز تحقیقات استراتژیک
6. Cameron، Fraser ، **"The politics of EU-Russia Energy Relations"** ، EU-Russia Center، 2010
7. Lindner ، Rainer ، **"New Realism: The Making of Russia Foreign Policy in the Post –Soviet World "**، EU-Russia Center review ، Issue Eight (Russian foreign Policy) 2008
8. Rahr ، Alexander ، **" Germany and Russia: A Special Relationship"** ، The Washington Quarterly،2007
9. Grace ، J، **" Russian Oil Supplies: Performance and Prospects"** ، Oxford: OUP(for the Oxford Institute for Energy) ،2005
10. Roland ، Gotz ، **"Germany and Russia – strategic partners"**،Geopolitical Affairs ، 2007
11. Monaghan ، Andrew and Montanaro-Jankovski ، Lucia ، **" EU-Russia energy Relation: The need for active engagement ، Enlargement & Neighborhood Europe "**،European Policy center،2006

12. **Energy Policies of IEA countries ‘ Germany 2008 ‘ Review**
13. www.auswaertigesamt.de/DE/Aussenpolitik/RegionaleSchwerpunkte/Russland/Russland-Wirtschaft-Energie_node.htm
14. www.EIA.doe.gov/emeu/cabs/Russia/Full.html
15. [www.Gazprom.com\(Eng/articles/article8823/shtml](http://www.Gazprom.com(Eng/articles/article8823/shtml)
16. www.germany-info.org
17. www.bp.com
18. www.businesswire.com
19. www.oilcapital.ru
20. www.energy.cr.usgs.gov/OilGas/wep